

## گرامی باد شانزدهم آذر، روز دانشجو

دانشجویان، آینده‌سازان میهن،

بارزترین ویژگی نظام‌های خودکامه برای باقی ماندن بر اریکه‌ی قدرت تحریف کوتاه‌بینانه‌ی گذشته، واژگونی حقیقت، به غبار تردید اندودن واقعیت، و سرکوب برای توجیه وضع موجود، و جلوگیری از طرح بسیاری از پرسش‌ها و سرانجام، بسیج پیش‌داوری‌هاست.

کوشش انحصارگران در ناچیز جلوه دادن، بدنام کردن یا به فراموشی سپردن جریان‌هایی که در راستای نگاهداشت استقلال و آزادی ایران نقشی بزرگ داشته‌اند با این هدف که حافظه‌ی جمعی از دانش تاریخی و خاطره‌های زنده و آموزنده تهی گردد و نسل جوان نتواند، به پشتوانه‌ی دست‌مایه‌ای فکری، شور و عاطفه‌های خود را با تأمل و روشن‌بینی درآمیزد و به جستجوی ریشه‌های رویدادهای سرنوشت‌ساز بپردازد هر روز در جامه‌ای نو و ترفندی تازه دنبال می‌گردد، به گونه‌ای که امروز چندان تفاوتی میان بازسازی درست تاریخ گذشته و دستکاری تعمدی در آن وجود ندارد.

در فضای پرهیاهویی که شناخت راستین و روح پژوهش و سنجش و برخورد‌های نظری و فکری گسترش نیافته و بررسی بی‌غرضانه‌ی رویدادها در کلیت تاریخی آن‌ها و فراتر رفتن از قلمرو تنگ زندگی سردمداران به گونه‌ی وظیفه‌ای سنگین رویاروی نسل جوان، به‌ویژه دانشجویان، قرار نگرفته، پیشرفت همسو با فراگرد گذارهای زندگی ملّی امکان‌پذیر نیست.

گرچه تاریخ هرگز تکرار نمی‌شود، اما خودمحوری بیمارگونه‌ی یکه‌تازان اغلب به صورت‌های مشابه دنبال می‌گردد. شیوه‌ی اداره کشور در هر عصر و زمانی برآیند عنصرهای حاکم و عنصرهای زیرحکم را با هم متعادل می‌کند و نظم و انسجام سیاست‌های کاربردی هر قدر کمتر با اعتراض و پایداری مواجه باشد عامل‌های زیرسلطه بیشتر مسئول فساد، ظلم و تباهی ناشی از استبداد فرمانروایان می‌باشند.

آگاهی از پیشینه‌ی زندگی ملّی و رهایی از این وهم هولناک که ایران برهوتی بود که، پیش از حرکت‌های به‌انقلاب‌انجامیده، هیچ گیاهی در آن نرسته و نسل‌هایی که در آن زیسته‌اند همه پذیرای جور و ستم بوده‌اند یکی از اصلی‌ترین وظیفه‌های مردم، به‌ویژه دانشجویان، به عنوان نخبگان نسل جوان و طلایه‌داران روشنگری است. باید تاریخ را از لابه‌لای سندهای ثبت‌شده، بی‌دروغ و فارغ از تملق، شناخت و ترس را، که اصل دوام استبداد است و خاموشی و سکون و تسلیم را به دنبال می‌آورد، سرکوب‌خرد، شرف و سربلندی کرد. در هنگامه‌ی فضیلت‌سوز کنونی، که راه‌های گریز دغلبازانه از ظلم رواج یافته و مکر و تزویر همه‌ی هستی را دربرگرفته و باروری اندیشه به اضمحلال تهدید می‌شود و سازش‌کاری در هیئت یک باور می‌رود تا بر ذهن‌ها چیره شود، تنها گلیم خویشتن از این سیلاب سهمگین به‌دربردن نه کاری است در خور جوانانی که همیشه در بزنگاه‌ها امیدآفرینان زندگی مردم بوده‌اند. توقع همگانی از نسل جوان، به‌ویژه دانشجویان، که به زیور بررسی و پژوهش آراسته‌اند، ایستادگی در برابر زور و قلدری و تشخیص سره از ناسره است.

اینک، چهل‌وسومین سالگرد حماسه‌ی خونین شانزدهم آذر، روز دانشجو، روز شهادت مصطفی بزرگ‌نیا، مهدی شریعت رضوی، و احمد قندچی، روزی که زشت‌ترین نمونه‌ی دژخویی کودتاچیان بود که پس از سرنگونی دولت ملّی

مصدق بزرگ می‌خواستند سراسر ایران را به فضائی اختناق‌آمیز بدل کنند و زنان و مردان مبارز را به خاموشی کشانند و همه‌ی دستاوردهای جنبش ملی کردن صنعت نفت را به سود اربابان خود به یغما دهند، فرامی‌رسد. این در حالی است که همه‌ی زمینه‌های زندگی ملی در نابسامانی فرورفته و نادیده گرفتن حیثیت ذاتی بشر و پای‌مال آزادی‌های فردی و اجتماعی کشور را به زندانی بزرگ و خالی از جلوه‌های پیشرفت بدل کرده است.

در این میان، مرکزهای آموزش عالی، این جایگاه‌های پویاترین گروه‌های اجتماعی، که پیوسته مشعلدار پیکارهای ضداستعماری و ضداستبدادی بوده، با دسیسه‌های گوناگون و وضع کاذبی که هیئت حاکمه پدید آورده، به محل برخورد تنگ‌نظرانه و دسته‌بندی‌های به‌ظاهر مختلف بدل شده که کاری جز آب به آسیاب واپس‌گرایان ریختن ندارد؛ از جمله روز دانشجو، که در سیاه‌ترین سال‌های دیکتاتوری دوران پیش از انقلاب هم در سراسر دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی با گردهمایی و تظاهرات استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه همراه بوده است، امسال به طور پراکنده، در روزهای مختلف، در جایگاه‌های نامناسب و با پیرایه‌های نادرست برگزار می‌شود، آن هم با انگه‌های ضداننجویی و در حصار خشکسری‌های خلاف معیار خرد و دانش.

اینک، دانشجویان پس از گذشتن از فرازونشیب‌های هولناک و تحمل تیغ زهراگین محروم شدن از تحصیل، زندان، شکنجه، و اعدام، که به دنبال به اصطلاح «انقلاب فرهنگی» پدید آمد، با توطئه‌ی دیگری روبه‌رو می‌باشند. واپسین ترفندی که برای به شکست کشاندن هر گونه تلاش ترقی‌خواهانه و سرکوب دگراندیشی و جلوگیری از همبستگی دانشجویان به کار گرفته شده همان دستاویز کهنه‌ی استفاده‌ی نابجا از باورهای دینی و اعتقاد تردیدناپذیر مردم این سرزمین به تعالیم مذهبی است زیر عنوان «اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، که حکایت از دسیسه‌ای دیگر برای حاکمیت مطلق قشریگری دارد.

اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران از همه‌ی فرزندان خردگرای این سرزمین، که در پیوسته‌ی تاریخ نگهبانان راستین فرزاندگی بوده‌اند، می‌خواهد حساسیت موقع و اهمیت منزلت خویش را دریابند و، بار دیگر، پیشگام پیکار برای برقراری مردم‌سالاری به گونه‌ی تنها راه بیرون آمدن از دور بسته‌ی خشونت و واپس‌گرایی گردند، بر لزوم حضور دائم خود در میدان سیاست پای فشرند و، با استیفای حقوق ملت، زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و شخصیت انسانی و قوام عاطفی در کشور شوند.

تلاش سردمداران جمهوری اسلامی در به بیراهه کشیدن خواست‌های نسل جوان و تبدیل حرکت پرخروش آن‌ها به جریان‌های کور طیفی است تا از تپش و جوشش فرومانند و، به جای پیوستن به صف سلطه‌ستیزان، به مرداب عفن واپستگی فروشوند و، در بزنگاه، به جای انفجار خشم و هیجان، دست‌آموز ناکسان باشند.

از آنجا که وحشت اصل دوام حکومت استبدادی است و هدف آن خاموشی و تبدیل زندگی به روزمرگی، وظیفه‌ی نسل جوان قیامی رودررو با اضطراب و ترس و دفاعی جانانه از آزادی و انسانیت است. دانشجویان باید دخالت در سیاست را، که در حد یک سبکسری افول کرده و به مراهمه‌ای برای هدف‌های شوم شماری واپس‌گرا و انحصارطلب تنزل یافته، بار دیگر، در جایگاه واقعی آن نشانند و، با حضور صمیمی و یکپارچه و شورانگیز خود، زندگی ملی را از خمودی و رکود و ناکامی به‌دراورند.

درد به روان شهیدان دانشگاه، مصطفی بزرگنیا، مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی.

اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران (جنبش برای آزادی ایران، حزب زحمتکش‌ان ملت ایران (نیروی سوم)، حزب مردم ایران، حزب ملت ایران)